



فاطمه عليها السلام، صديقه شهيده

ما هرگز نشنیده‌ایم که عمر با شجاعان جنگیده باشد و دلاورانی از کفار قریش و سایرین را کشته باشد؛ ولی شنیده‌ایم و یقین داریم که عمر، فاطمه عليها السلام دختر محمد صلی الله علیه و آله و نیز جنینش محسن عليه السلام را به قتل رسانیده است؛ در حالی که خداوند متعال می‌فرماید: **(بگو بر این رسالت مزدی از شما طلب نمی‌کنم، مگر دوست داشتن خویشاوندان)**

امام احمد الحسن عليه السلام، پاسخ‌های روشن‌گرانه، جلد ۲، بخشی از پاسخ به سؤال ۱۱۱

حقیقتی انکار نشدنی

تاریخ به شهادت فاطمه گواهی می‌دهد

دوراهی (بیراهه)

قرآن و کتب اهل سنت به جدایی راه ابوبکر از راه خدا شهادت می‌دهند

بانوی مُبلغ

فاطمه اولین مُبلغ و مدافع وصی و وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله

بررسی خطبه فدکیه

موجودات را خلق فرمود بدون آنکه از ماده‌ای موجود شوند

وفات یا شهادت؟

بررسی مستندات شهادت حضرت فاطمه عليها السلام در منابع اهل سنت

سید احمد الحسن کیست؟

سید احمد الحسن، فرزند سید اسماعیل، فرزند سید صالح، فرزند سید حسین، فرزند سید سلمان، فرزند امام محمد بن الحسن العسکری است. ایشان وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام است و برای هدایت و زمینه سازی ظهور مقدس مبعوث شده است. همان یمانی موعود، برای شیعیان و همان مهدی متولد شده در آخر الزمان نزد اهل سنت که رسول الله صلی الله علیه و آله بشارت تولد ایشان را داده اند و نیز فرستاده ای از سوی حضرت عیسی علیه السلام و حضرت ایلیا علیه السلام برای مسیحیان و یهودیان است. ایشان دعوت الهی خویش را به دستور پدر بزرگوارش امام مهدی علیه السلام، در سال ۱۹۹۹ در نجف اشرف، پایتخت دولت عدل الهی آغاز نمودند و از آنجا دعوت امام مهدی همچون دعوت رسول الله صلی الله علیه و آله به همه جهان انتشار یافت. سید احمد الحسن علیه السلام برای اثبات حقانیت خویش، به قانون معرفت حجت های الهی احتجاج می کنند: این قانون از سه اصل تشکیل می شود:

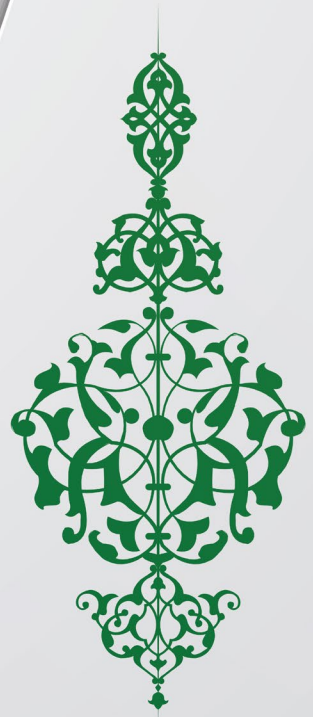
۱. نص الهی؛ یعنی وصیت شب وفات رسول الله صلی الله علیه و آله را مطرح کرده اند و نام مبارک احمد به عنوان مهدی اول در آن ذکر شده است.
۲. علم و حکمتی که برای هدایت همه مردم ارائه داده و با آن، همه علمای ادیان و بزرگان الحاد را به تحدی فراخوانده اند.
۳. پرچم البیعة لله (دعوت به حاکمیت خدا)

ایشان یکی از اوصیای رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در وصیت آن حضرت در زمان وفاتش به وی تصریح شده است: از اباعبدالله جعفر بن محمد از پدرش امام باقر از پدرش صاحب پینه ها زین العابدین از پدرش حسین زکی شهید از پدرش امیر المؤمنین علیه السلام که فرمود: «... ای ابالحسن، صحیفه و دواتی حاضر کن؛ و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وصیتش را املا فرمود تا به اینجا رسید که فرمود: ای علی، پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آن ها دوازده مهدی. ای علی، تو نخستین دوازده امام هستی... و ایشان دوازده امام اند و سپس دوازده مهدی خواهد بود... پس اگر زمان وفاتش رسید، آن را [خلافت] به فرزندش، نخستین مهدیین تسلیم کند که سه نام دارد، نامی مانند نام من و نام پدرم که عبدالله و احمد است، و نام سوم مهدی است و او اولین ایمان آورندگان است.»

پیامبر اکرم

فهرست

- ۳..... تاریخ به شهادت فاطمه علیها السلام گواهی می دهد
- ۵..... دوراهی (بیراهه).....
- ۷..... فاطمه علیها السلام در کتاب مکاشفه، فصل ۱۲ و تبیین احمد الحسن...
- ۸..... فاطمه اولین مُبلِّغ و مدافع وصی و وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله.....
- ۱۰..... موجودات را خلق فرمود بدون آنکه از ماده ای موجود شوند.....
- ۱۲..... فصل جدایی.....
- ۱۳..... حدود ارتباط زن با نامحرم.....
- بررسی مستندات شهادت حضرت فاطمه علیها السلام در منابع
اهل سنت..... ۱۷.....
- ۲۱..... بیت الاحزان.....



هفته نامه زمان ظهور

هفته نامه زمان ظهور، شماره ۹۵، جمعه ۵ دی
۱۳۹۹، ۱۰ جمادی الاولی ۱۴۴۲، ۲۵ دسامبر
۲۰۲۰

صاحب امتیاز: مؤسسه وارثین ملکوت
راه های ارتباطی:

www.zamanezohoor.com



هر گونه برداشت از هفته نامه با ذکر منبع بلامانع است.

زمان ظهور منتظر دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات
سازنده شما عزیزان است.

الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام
على سيدنا محمد
والآله الطيبين الطاهرين



تاریخ به شهادت فاطمه علیها السلام گواهی می دهد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ الْاَئِمَّةِ وَ الْمُهَدِّیْنَ وَ سَلِّمْ تَسْلِیْمًا کَثِیْرًا

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی فَاطِمَةَ وَ اَبِیْهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِیْهَا وَ سِرِّ الْمُسْتَوْدَعِ فِیْهَا بِعَدَدِ مَا اَحَاطَ بِهٖ عِلْمُکَ

که کمترین زمان ذکر شده در این رابطه ۴۰ روز و بیشترین زمان شش ماه است؛ اما آنچه نزد ما مسلم و مورد قبول است روایات رسیده از ائمه علیهم السلام است. امام باقر علیه السلام می فرماید: به درستی که زمان رحلت صدیقه کبری علیها السلام سه ماه بعد از رحلت پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله بود.

همچنین طبرسی می گوید: «حضرت صدیقه طاهره علیها السلام در ماه جمادی الاخر سال یازده هجری از دنیا رفتند؛ و مدت زمان حیات فاطمه زهرا علیها السلام پس از پیامبر صلی الله علیه و آله ۹۵ روز بود.»

و مرحوم طبری شیعی در کتاب دلائل الامامه به سلسله اسناد خود روایاتی از حضرت امام صادق علیه السلام نقل می کند که حضرت می فرماید: «فاطمه زهرا علیها السلام در ماه جمادی الاخر روز سه شنبه، سه روز از ماه گذشته در سال یازده هجری از دنیا رفتند.»

این دو روایت مبنای نظر اکثر علمای شیعه، از جمله سید بن طاووس رحمته الله علیه در کتاب شریف اقبال است.

اما دسته دیگری از روایات هم این مدت را ۷۵ روز ذکر کرده اند؛ از جمله این روایات، روایت مرحوم کلینی از امام صادق علیه السلام است که حضرت می فرماید: «به درستی که توقف فاطمه علیها السلام در این دنیا پس از پدر گرامی اش ۷۵ روز بود.»

این دسته از روایات هم مبنای نظر برخی از علمای شیعه از جمله مرحوم کلینی شده است؛ البته ممکن است دلیل اختلاف در این دو دسته از روایات

درباره تاریخ شهادت حضرت زهرا علیها السلام اقوال مختلفی در کتاب های تاریخی و حدیثی وجود دارد. بعضی از مورخین آن را چهل روز و برخی شش ماه، و نیز کتب حدیثی ۷۵ روز و برخی نیز ۹۵ روز بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله ذکر کرده اند.

این تفاوت اقوال در کتب تاریخی، ممکن است ریشه در خوانش خاص هر مورخ و شرایط علمی و عقیدتی ایشان نسبت به ثبت وقایع تاریخی داشته باشد و دوم اینکه گرایش های مکتبی و مذهبی ایشان نیز بدون تأثیر نخواهد بود.

مبنای کتب عقیدتی نیز احادیثی از ائمه هدی علیهم السلام است که هر یک با در نظر داشتن شرایط خویش، حدیثی را معتبر دانسته و بنای صحت را بر آن نهاده است. نمونه هایی از اخبار و اقوال رسیده، چنین است:

ابوالفرج اصفهانی در کتاب مقاتل الطالبین می گوید: «مدت زمان حیات فاطمه زهرا علیها السلام بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله مورد اختلاف قرار گرفته است؛ به طوری

سید احمد الحسن علیه السلام:

سنگینی بار ولایت و حاکمیت خدا و تثبیت آن، بر دوش امام علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و پس از آن ها [بر دوش] ائمه علیهم السلام بوده است. (پاسخ های روشنگرانه، ج ۴، س ۳۲۲)



پاسخ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و
آل محمد الاثمة و المهديين و سلم تسليماً.
شهادت حضرت زهرا عليها السلام در نیمه جمادی الاول
واقع شده است.
احمد الحسن.

صحيح، رايج نبودن نقطه گذاري بر كلمات در زمان
صدور روايات باشد. توجه به شباهت «خمسة و
سبعون» با «خمسة و تسعون» مؤيد اين معناست.
آنچه مسلم است اينكه تا قبل از ظهور دعوت
سيد يمانى عليه السلام، زمان دقيقى از شهادت آن بانوى
بزرگوار عليها السلام، آن مدافع بزرگ وصيت رسول الله صلى الله عليه و آله و
اولين شهيدة راه امامت، در دست نبوده است.
اکنون وقت آن است که در این باره از حضرتشان
استفتا نموده و یک بار برای همیشه جوابی روشن
و واضح و واحد دریافت نمایم و خوشبختانه چنین
شده و تفصیل آن در کتاب شریف «پاسخ های
روشنگرانه» آمده است. عین مطلب به جهت تبرک
تقديم می شود:

السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ الْأَمِينُ

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و
آل محمد الاثمة و المهديين و سلم تسليماً.
السلام عليكم ورحمت الله وبركاته
شهادت پاره تن رسول الله صلى الله عليه و آله، فاطمه زهرا عليها السلام را به
صاحب عصر و زمان امام مهدى محمد بن الحسن
العسكرى عليه السلام و وصى ایشان احمد الحسن عليه السلام يمانى
آل محمد عليهم السلام و همه انصار امام مهدى عليه السلام تسليت
عرض می کنیم.

سؤال: صحيح ترين روايات درباره شهادت پاره
تن حضرت محمد صلى الله عليه و آله سیده و مولاى ما فاطمه
زهرا عليها السلام کدام است؟

اميدوارم و آرزو دارم پاسخ را سيد احمد الحسن عليه السلام
عنايت فرمایند. با تشکر فراوان. خداوند به شما
بهترین پاداش ها را بدهد! فرستنده: ام نور، کانادا

منابع:

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۸۸؛
کشف الغمة، ج ۱، ص ۵۰۲: (وَقُلْتُ مِنْ كِتَابِ الذَّرِّيَّةِ
الطَّاهِرَةِ لِلدُّوَلَايِيِّ فِي وَفَاتِهَا مَا نَقَلَهُ مِنْ رَجَالِهِ قَالَ
لَبِثَتْ فَاطِمَةُ بَعْدَ النَّبِيِّ ص ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ وَقَالَ ابْنُ شِهَابٍ
سِتَّةَ أَشْهُرٍ وَقَالَ الزُّهْرِيُّ سِتَّةَ أَشْهُرٍ وَمِثْلُهُ عَنْ عَائِشَةَ وَ
مِثْلُهُ عَنْ عُرْوَةَ بْنِ الزُّبَيْرِ وَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ
عَلِيٍّ ع خَمْسًا وَ تِسْعِينَ لَيْلَةً فِي سَنَةِ إِحْدَى عَشْرَةَ وَ
قَالَ ابْنُ قُتَيْبَةَ فِي مَعَارِفِهِ مِائَةَ يَوْمٍ وَقِيلَ مَاتَتْ فِي سَنَةِ
إِحْدَى عَشْرَةَ لَيْلَةً ثَلَاثًا لِثَلَاثِ لَيَالٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ
هِيَ بِنْتُ تِسْعٍ وَ عَشْرِينَ سَنَةً أَوْ نَحْوَهَا)
۲. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبین، تحقیق: صقر،
سيد احمد، ص ۵۹ و ۶۰، دارالمعرفة، بیروت، بی تا.
۳. طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام
الهدی، ج ۱، ص ۳۰۰، مؤسسه آل البيت، قم، چاپ اول،
۱۴۱۷ق.
۴. طبری، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الإمامة، ص
۷۹، بعثت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۵. ابن طاووس، علی بن موسی، الإقبال بالأعمال
الحسنة فيما يعمل مرة في السنة، محقق و مصحح:
قيومی اصفهانی، جواد، ج ۳، ص ۱۶۰ و ۱۶۱، دفتر
تبلیغات اسلامی، قم، چاپ اول، ۱۳۷۶ش.
۶. الکافی ج ۱ ص ۴۵۸ باب مولد الزهراء فاطمة ع،
حدیث ۱- مُحَمَّدٌ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ
ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ ابْنِ رِثَابٍ عَنْ أَبِي عُيَيْدَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ
اللَّهِ ع قَالَ إِنَّ فَاطِمَةَ ع مَكَثَتْ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ص خَمْسَةَ
وَ سَبْعِينَ يَوْمًا.
۷. ر.ک: پاسخ های روشنگرانه، جلد سوم، پرسش ۲۱۵.

سيد احمد الحسن عليه السلام:

ولایت، بخشی از آن چیزی است که حضرت محمد صلى الله عليه و آله در رسالت خود آورده است؛ ولی
علی و فاطمه عليهما السلام مکلف به تثبیت آن بوده اند. (پاسخ های روشنگرانه، ج ۴، ص ۳۲۲)

قرآن و کتب اهل سنت به جدایی راه ابوبکر از راه خدا شهادت می دهند

آیا می دانید طبق کتب «صحیح» تان، از قومی که مورد غضب خدا هستند بیزاری نجسته اید و ولایت آن ها را پذیرفته اید و از آنان تبعیت کرده اید و می کنید؟
آیا می دانید در کتب «صحیح» شما چه چیزی از پیامبر خدا ﷺ درباره فاطمه (علیها السلام) نقل شده است:

الْخَيْرَةُ مِنْ أَمْرِهُمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا (و هیچ مرد و زن مؤمنی را نرسد که چون خدا و فرستاده اش به کاری فرمان دهند، برای آنان در کارشان اختیاری باشد؛ و هرکس خدا و فرستاده اش را نافرمانی کند قطعاً دچار گمراهی آشکاری شده است). (احزاب، ۳۶)

خداوند در قرآن می فرماید:
(...فَبَشِّرْ عِبَادِ * الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ). (... پس بندگانم را بشارت ده. آنان که سخن را می شنوند و از بهترینش پیروی می کنند. اینان اند کسانی که خدا هدایتشان کرده، و اینان همان خردمندان اند). (زمر، ۱۷ و ۱۸)

ای اهل سنت، سؤالی از شما داریم؛

آیا این آیه در قرآن را خوانده اید که خدا می گوید:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ) (ای مؤمنان، قومی را که خدا بر آنان خشم گرفته، متولی خود قرار ندهید. آنان به یقین از آخرت مأیوس اند؛ همان گونه که کافران مدفون در قبرها مأیوس اند). (ممتحنه، ۱۳)
و آیا این آیه را خوانده اید که خدا می فرماید:

(وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ



سید احمد الحسن (علیه السلام):

تیره روزی و نابودی بر قومی که از حرم های خدا، حرمی را شکستند و بهترین بندگان را خوار و خفیف نمودند. (گوساله، جلد ۱)



ضَلَّ ضَالًّا مُبِينًا) ... و هرکس خدا و فرستاده‌اش را نافرمانی کند قطعاً دچار گمراهی آشکاری شده است) آیا بعد از اینکه حق روشن شد هیچ دلیلی مانده است که همچنان در راهی قدم بردارید که مورد خشم و غضب خداست؟

و آیا می‌دانید در تناقضی گرفتار شده‌اید که عقل را مبهوت می‌کند؟ آن هنگام که «حمد» را می‌خوانید و با زبانتان از خدا می‌خواهید که در راه ابوبکر و متحدانش قرار نگیرد:

[اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ * صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ] (ما را به راه راست راهنمایی کن. راه کسانی که به آنان نعمت عطا کردی، نه مغضوبان، و نه گمراهان) اما در دل و عملتان از ابوبکر بی‌زاری نمی‌جوئید و او را دوست دارید و پیرو راه او شده‌اید!

بیدار شوید و خود را در زمره بدترین خلق خدا قرار ندهید؛ کسانی که خدا در کتابش می‌فرماید:

(إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ) (قطعاً بدترین جنبندگان نزد خدا کران و لالانی هستند که نمی‌اندیشند). (انفال، ۲۲)

وَالسَّلَامُ عَلَى مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى.

شد و ابوبکر را ترک کرد و پیوسته از او دوری گزید تا آنکه وفات نمود.) (صحیح بخاری، با ترجمه نور احراری، ج ۳، ص ۴۹۷، ح ۳۰۹۳) **غضب فاطمه، همان غضب خداست و این کلام خداست که بر ما بانگ می‌زند:**

(... لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ...) (ما را از آن قوم که خدا بر آنان خشم گرفته، متولی خود قرار ندهید ...) و خدا می‌گوید: (...) وَمَنْ يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَى) (... هرکس خشم من به او برسد در آتش افتد). (طه، ۸۱) پس چگونه ابوبکر را به عنوان خلیفه پذیرفته‌اید و او را بر حق می‌دانید؟ چرا از فرمان خدا سرپیچی کرده‌اید؟ (... وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ...)

«او، مادر پدرش و پاره تن من است. خداوند با رضایتش راضی و با خشمش، خشمگین می‌شود. او سرور زنان جهانیان است، از اولین تا آخرینشان.» (مسند احمد، ج ۴، ص ۵؛ صحیح بخاری، ج ۴ ص ۲۱۰؛ صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۴۱؛ سنن ترمذی، ج ۵، ص ۳۶۰؛ فضائل الصحابه نسائی، ص ۸۷)

و آیا این متن از بخاری را که روایت عایشه است خوانده‌اید که ابوبکر به حضرت فاطمه علیها السلام چه گفت و فاطمه علیها السلام چه واکنشی نشان داد؟

«ابوبکر به او گفت: همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «از ما میراث گذاشته نمی‌شود. آنچه از ما می‌ماند، برای صدقه است.» فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله خشمگین



سید احمد الحسن علیه السلام:

فساد نخست از این امت با کشتن فاطمه و امام علی علیهما السلام، و فساد دوم با کشتن حسن و حسین علیهما السلام بود. (متشابهات، ج ۱، ص ۲۳)

فاطمه علیها السلام در کتاب مکاشفه، فصل ۱۲ و تبیین احمد الحسن



زنی که خورشید را پوشیده است آیه ۱
منظور از خورشید، پیامبر صلی الله علیه و آله است.

۱

و دارای نسلی است که حافظ و صایای
خدا هستند آیه ۱۷

۵

پسری به دنیا می آورد که همه امت های
زمین را به عصای آهنین حکمرانی
خواهد کرد آیه ۵
این مولود، مهدی اول، احمد است.

۴

و ماه زیر پا های اوست آیه ۱
منظور از ماه، خدیجه علیها السلام است.

۲

و بر سرش تاجی از دوازده ستاره است آیه ۱
منظور از ۱۲ ستاره، ۱۲ امام هستند.

۳

چه دلیلی وجود دارد که او «احمد الحسن» است؟

طبق مکاشفه ۱۹: ۱۵ شخص سوار بر اسب سفید همانی است که
امت ها را به عصای آهنین حکمرانی خواهد کرد

طبق مکاشفه ۱۹: ۱۱ او را «صادق» و «امین» می خوانند

«صادق الامین» لقبی است که به احمد الحسن دادند.

برای مطالعه دلایل بیشتر به کتاب «نامه هدایت» رجوع کنید.

منبع: سید احمد الحسن علیه السلام، کتاب سیزدهمین حواری، پاسخ پرسش سه



فاطمه اولین مبلّغ و مدافع وصی و وصیت پیامبر ﷺ

به سراغ خانه‌های انصار می‌رفت تا از آنان درخواست یاری کند. (بحار الأنوار، ج ۲۸، ص ۳۵۴)

آنان در جواب به دختر پیامبر اکرم ﷺ می‌گفتند: «يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ! قَدْ مَضَتْ يَبَعْتُنَا لِهَذَا الرَّجُلِ وَلَوْ أَنَّ زَوْجَكَ وَابْنُ عَمِّكَ سَبَقَ إِلَيْنَا أَبَاكَرَ مَا عَدَلْنَا بِهِ» «ای دختر رسول خدا! ما با ابوبکر بیعت

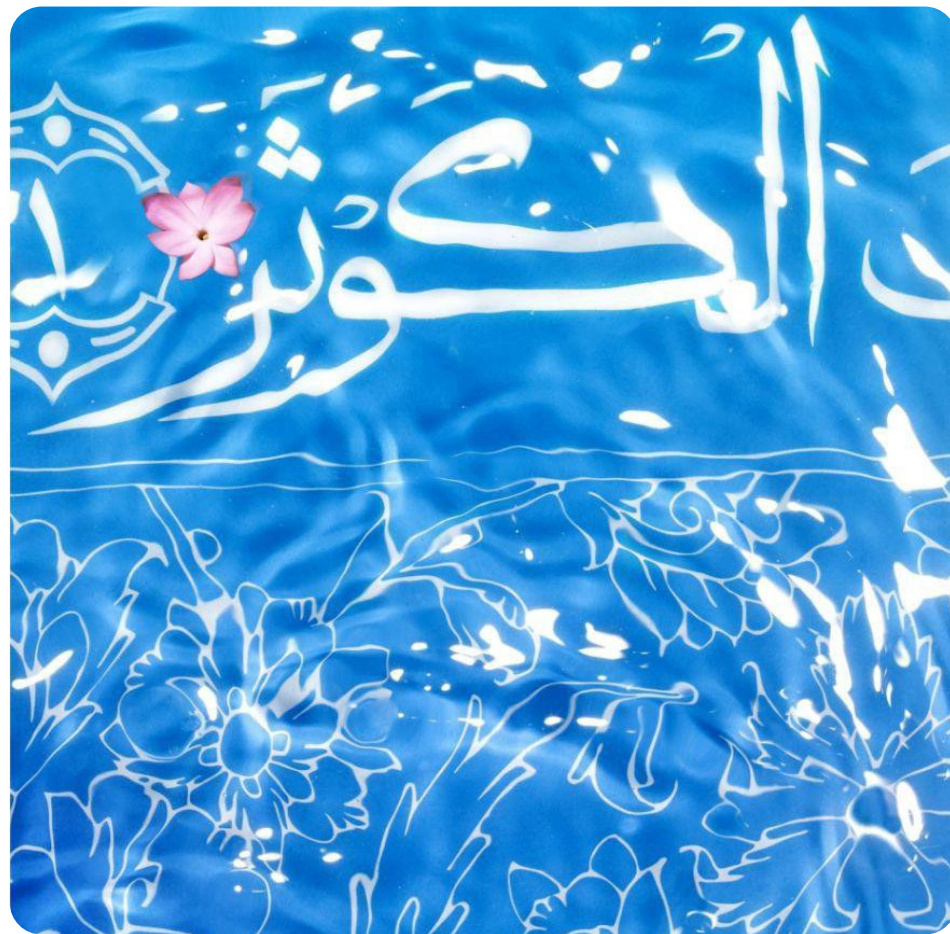
دیگری نیامد. امام علی علیه السلام این کار را سه شب تکرار کرد.

در منابع آمده است: «خَرَجَ عَلَيَّ الْعَلِيُّ (لَيْلًا) يَحْمِلُ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ عَلَى دَابَّةٍ [عَلَى حِمَارٍ] لَيْلًا يَدُورُ فِي مَجَالِسِ الْأَنْصَارِ تَسْأَلُهُمُ النَّصْرَةَ» «امام علی علیه السلام شبانه به همراه فاطمه زهرا ﷺ در حالی که او را بر آستری سوار می‌کرد،

حضرت زهرا ﷺ در موارد بسیاری برای دعوت حق و وصی رسول الله نقش مبارز و مبلّغ را ایفا کردند و نقش بسیار سازنده‌ای داشتند تا برای همه اتمام حجت شود و کوتاهی‌شان در قبال وصیت پیامبر ﷺ روشن گردد و تاریخ این فاجعه را ثبت کند و به آیندگان برساند.

در ادامه به چند نمونه از این مجاهدت‌های فاطمه زهرا ﷺ در راه تبلیغ دعوت حق اشاره خواهیم کرد تا ان شاء الله جایگاه این بانوی گرامی در اسلام و مظلومیت وصیت پیامبر خدا برای خواننده محترم روشن شود.

امام علی علیه السلام در اولین اقدام در همان شب غصب خلافت هنوز جنازه مطهر رسول اکرم ﷺ دفن نشده بود که مرکبی را آماده کرد، و حضرت فاطمه ﷺ سوار بر مرکب شد و دست امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام را گرفت و به درب خانه تمامی مهاجرین و انصار رفت و حق خود را یادآوری نمود و پیمان گرفت که همگی فردا صبح برای بیعت با علی علیه السلام در مسجد جمع شوند؛ ولی صبح فردا به جز چهار نفر (سلمان، ابوذر، مقداد، زبیر) کس



سید احمد الحسن علیه السلام :

عمر بن خطاب و گروهی از منافقان اقدام به آتش زدن خانه حضرت فاطمه زهرا ﷺ آن یگانه دخت پیامبر اسلام ﷺ کردند؛ در حالی که خدا، دوستی با او و نیز با امام حسن، و حسین و امام علی ﷺ را در قرآن واجب دانسته است. (سرگردانی یا مسیر به سوی خدا، مبحث سرگردانی در امت اسلام)

به خانه یکایک مجاهدان بدر و پیشگامان در اسلام از مهاجران و انصار رفتیم و آنان را درباره حقم به خدا سوگند دادم و آنان را به یاری خویش فراخواندم. از همه آنان تنها چهار نفر به دعوتم پاسخ دادند: سلمان، ابوذر، مقداد، و زبیر؛ و از خاندانم نیز کسی نبود تا از من پشتیبانی کند.» (کتاب سلیم، ج ۲، ص ۶۶۱)

امام علی علیه السلام این کار را به صورت متوالی تکرار می‌کرد، ولی جز این چهار نفر کس دیگری نمی‌آمد؛ و این‌گونه بود که جریان معروف خطبه فدکیه پیش آمد که حضرت زهرا س -طبق متن خطبه- قصد داشتند انحرافات خلفای ناحق را آشکار سازند که چگونه با جعل حدیث، پیامبر خدا را از به‌جای گذاشتن ارث محروم کردند و این حق را از وی گرفتند و این امر از کسانی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله را از نوشتن وصیت باز می‌دارند بعید نیست؛

این‌ها گوشه‌ای از فعالیت‌های تبلیغی بانوی دو عالم، حضرت صدیقه علیها السلام بود تا رنجی که این انوار الهی در راه حق کشیدند بر ما روشن شود و بدانیم در چه راهی قدم برمی‌داریم.

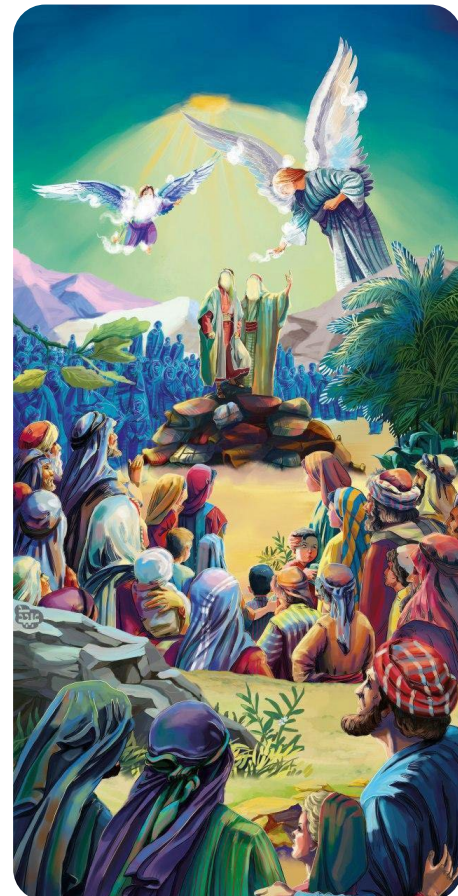
وَأَخَذْتُ يَدَ ابْنَيْ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ علیهما السلام «فاطمه علیها السلام را با خود می‌بردم در حالی که دست حسن و حسین را نیز می‌گرفتم و آنان را با خود همراه می‌کردم.» (کتاب سلیم، ج ۲، ص ۶۶۱)

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در زمان حیات خود، به امام علی علیه السلام فرموده بود:

«إِنْ وَجَدْتَ أَعْوَانًا فَأَنْبِذْ إِلَيْهِمْ وَجَاهِدْهُمْ وَإِنْ لَمْ تَجِدْ أَعْوَانًا فَاكْخُفْ يَدَكَ وَاحْقِنْ دَمَكَ حَتَّى تَجِدَ عَلَى إِقَامَةِ الدِّينِ وَكِتَابِ اللَّهِ وَسُتَيْ أَعْوَانًا» «اگر یارانی یافتی با آنان جهاد کن و اگر نیافتی دست نگه‌دار و خون خویش را حفظ کن تا برای برپایی دین و کتاب خدا و سنت من یارانی بیابی.» (کتاب سلیم، ج ۲، ص ۶۶۱)

حضرت علیه السلام خود در این رابطه می‌فرماید: «فَفَعَلْتُ ثُمَّ فَلَمْ أَدَعْ أَحَدًا مِنْ أَهْلِ بَدْرٍ وَأَهْلِ السَّابِقَةِ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ إِلَّا نَاشَدْتُهُمُ اللَّهَ فِي حَقِّي وَدَعَوْتُهُمْ إِلَى نُصْرَتِي فَلَمْ يَسْتَجِبْ لِي مِنْ جَمِيعِ النَّاسِ إِلَّا أَوْبَعَهُ رَهْطُ سَلْمَانَ وَأَبُو ذَرٍّ وَالْمُقَدَّادُ وَالزُّبَيْرُ وَلَمْ يَكُنْ مَعِيَ أَحَدٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي أَصُولُ بِهِ وَلَا أَقْوَى بِهِ» «پس چنین کردم و

کردیم و اگر شوهرت در این امر سبقت می‌گرفت، ما از ابوبکر روی گردان می‌شدیم و با او بیعت می‌کردیم» (بحار الأنوار، ج ۲۸، ص ۳۵۴)



مرحله دوم بعد از دفن حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بود. امام علی علیه السلام دوباره مانند قبل، شبانه به درب خانه مهاجرین و انصار رفت و مانند سابق فقط همان چهار نفر به ندای امام علیه السلام لیک گفتند. امام علی علیه السلام خود در این باره می‌فرماید: «وَحَمَلْتُ فَاطِمَةَ علیها السلام

سید احمد الحسن علیه السلام:

سپاس خدایی را که برایم از مادرم فاطمه زهرا علیها السلام و پدرم امیرالمؤمنین علی علیه السلام الگویی

قرار داده است. (در محضر عبد صالح، ج ۲)

بررسی خطبه فدکیه

موجودات را خلق فرمود بدون آنکه از ماده‌ای موجود شوند

آن‌ها را به قدرت خویش ایجاد و به مشیتش پدید آورد، بی آنکه در ساختن آن‌ها نیازی داشته و در تصویرگری آن‌ها فایده‌ای برایش وجود داشته باشد، جز تثبیت حکمتش و آگاهی بر طاعتش، و اظهار قدرت خود، و شناسایی راه عبودیت و گرامی داشت دعوتش، آنگاه بر طاعتش پاداش و بر معصیتش عقاب مقرر داشت، تا بندگان را از نعمتش بازدارد و آنان را به سوی بهشتش رهنمون گردد.



در این مقاله به‌مرور بخش نخست خطبه فدکیه حضرت زهرا (ع) خواهیم پرداخت که حاوی مطالب ژرف توحیدی است.

ایشان فرمودند: «خداوند را ستایش می‌کنم و در برابر احسان و نیکویی‌های ظاهری و معنوی او شاکرم. نعمت‌های او همه جهانیان را فراگرفته و سفره احسان او در همه جا گسترده شده است. خیرات و خوبی‌های پروردگار از شماره و اندازه و احاطه افکار ما خارج است، و سپاسگزاری و تشکر بر نعمت او موجب دوام و مزید آن شده است، و تداوم و تواتر احسان او سبب حمد و ستایش او خواهد بود؛ و شهادت می‌دهم معبودی جز الله نیست و او یکتا و بی‌شریک است، و البته تأویل این کلمه (شهادت به وحدانیت) به حقیقت اخلاص است، و حقیقت توحید و اخلاص فطری قلوب و دل‌هاست؛ و خصوصیات و تحقیق مقام توحید به نور تفکر و ایمان ظاهر خواهد شد، و اندیشه‌های ما از ادراک ذات او در مانده، و زبان ما از بیان و تقریر اوصافش قاصر، درک حضرت حق با چشم‌های ظاهری محال و ممتنع است.

موجودات را خلق فرمود بدون آنکه از ماده‌ای موجود شوند، و آن‌ها را پدید آورد بدون آنکه از قالبی تبعیت کنند.

سید احمد الحسن (علیه السلام):

آیا در فاطمه (ع) و آنچه برای او پیش آمد، الگویی برای شما نیست؟! و آیا در زینب (ع) و آنچه برای او پیش آمد، الگویی برای شما نیست؟! (پاسخ‌های روشن‌گرانه، ج ۶، س ۵۸۰)



مختلفی قرار داشته، و در پیشگاه آتش‌های افروخته معتکف شده و بت‌های تراشیده‌شده را پرستنده، و خداوندی را که شناخت آن در فطرتشان قرار دارد منکرند.



پس به‌وسیله پدرم محمد، جهالت و غفلت و نادانی مردم برطرف گردید، و رسول خدا با کمال حوصله و استقامت در هدایت و نجات‌دادن افراد کوشش کرده، و آنان را به سوی راه راست و آیین حق و محیط نور و هدایت راهنمایی فرمود؛ سپس خداوند آن رسول گرامی را به‌سوی خویش خواند و از سر رأفت و اختیار و رغبت و شوق و ایشار آن حضرت را قبض روح فرمود، و محمد صلی الله علیه و آله از زحمت و گرفتاری و مشقت این دنیا خلاص گردید، و با فرشتگان ابرار مأنوس و به درگاه حضرت جبار مجاور گشت. درود و صلوات خدا بر پدرم که نبی و امین او بر وحی بود، و برگزیده و منتخب او از تمام خلق. سلام و رحمت و برکات خداوند بر او باد.» (خطبه فدکیه حضرت زهرا علیها السلام، کتاب الإحتجاج، ج ۱، ص ۹۷)

و گواهی می‌دهم که پدرم محمد، بنده و فرستاده اوست، که قبل از فرستاده‌شدن او را انتخاب، و قبل از برگزیدن، نام پیامبری بر او نهاد، و قبل از مبعوث‌شدن او را برانگیخت، آن هنگام که مخلوقات در حجاب غیبت بوده، و در نهایت تاریکی‌ها به سر برده، و در سرحد عدم و نیستی قرار داشتند. او را برانگیخت به‌خاطر علمش به عواقب کارها، و احاطه‌اش به حوادث زمان، و شناسایی کاملش به وقوع مقدرات.



او را برانگیخت تا امرش را کامل و حکم قطعی‌اش را امضا و مقدراتش را اجرا نماید؛ و آن حضرت امت‌ها را دید که در آیین‌های

سید احمد الحسن علیه السلام:

برای شما در بهترین زنان جهانیان، الگویی نیکوست؛ به سیره مبارک و پاک آن‌ها اقتدا کنید، با این امید که خداوند شما را مورد مرحمت قرار و به شما برکت دهد.
(پاسخ‌های روشن‌گرانه، ج ۷، ص ۸۰۲)



فصل جدایی

عجب که به صبح برسد...

علی برای همیشه تنهایی شود...

تنها ترین سردار...

سرداری که قلبش پر از گدازه های آتشی است که شعیاننش بر قلبش فرود آورده اند.

خنده بانوی آب و آینه بر بالین پدر تعبیری گردد و عاشقانه به وجود منورش ملحق می شود.

آه...

امان از خانه بی فاطمه... امان از بال شکسته... امان از بی یآوری...

سبوی عمر شاه بانوی عالم شکسته شد و عالم را داغ دار فرور بخش رگنی عظیم نمود. پس از او، شرم بر حیات و شرم بر زندگانی کسانی که مردگانی را زندگانی می کنند.

صدایی که امانت رسول خدا را بادرد، با کبودی و انبوهی از زخم های التیام نیافته به آغوش زمین می سپرد؛ و زمین از این مرتبه نامتام و ابدی، سال هاست که بر خود می پیچد...

آری!

این زمین التیام نخواهد یافت، مگر به دم مسیحایی و شمشیر ذوالفقاری و قدوم مبارک فرزندش مهدی علیه السلام...

صلی الله علیه و آله فاطمه الزهرا، یا ام ایها



حدود ارتباط زن با نامحرم



بخش اول: من در اروپا دانشجوی دندانپزشکی هستم. در کار و تحصیل لازم می‌شود دستم را به‌طور کامل تا آرنج نمایان کنم. آقا و مولای من! این کار با توجه به حجاب شرعی که شما بیان فرموده‌اید جایز نیست. چه کار کنم؟ اگر دستم را برهنه نکنم مخالف قوانین درمانگاه دندانپزشکی است.

بخش دوم: در حین کار، با آقایان و خانم‌ها برخورد دارم و باید سر آن‌ها بسیار نزدیک به شکم من باشد تا بتوانم کارم را به‌شکل درست انجام بدهم.

حکم این مسئله در رابطه با معالجه آقایان به این روش چیست؟



التزام به حجاب شرعی واجب است و انتخاب شغلی که لازمه‌اش هتک حجاب شرعی باشد جایز نیست.

برهنه‌کردن تا بازو جایز نیست و باید برای پوشاندن آن به‌شکلی قابل قبول راهی یافت. اشکالی در معالجه آقایان وجود ندارد.

منبع: سید احمد الحسن رحمته‌الله، پاسخ‌های فقهی متفرقه، جلد ۴، پرسش ۱۱۴

سید احمد الحسن رحمته‌الله:

نمی‌توانم زنان مؤمن را از اقتدا به زهرا و زینب علیهما السلام باز دارم؛ بلکه باید آن‌ها را بر پیمودن این راه

مبارک تشویق کنم. (پاسخ‌های روشن‌گرانه، ج ۴، س ۳۲۲)





سرورم! خواهش می‌کنم برای ما حدود سخن گفتن و تعامل داشتن زن با مرد بیگانه (نامحرم) را مشخص نمایید؛ همچنین در خصوص مرد و اینکه یک مرد با زن بیگانه (چه از انصار و چه از غیر انصار) چه مقدار می‌تواند تعامل داشته باشد. آیا این تعامل در همه ابعاد و جوانبش می‌تواند باشد؟



سخن گفتن بین زن و مرد جایز است؛ ولی باید کلام برای منظوری درست و مقبول باشد؛ مانند کاریا راهنمایی کردن؛ و این گفت‌وگو نباید از روی بیهودگی و شوخی و صرفاً برای هم‌کلام شدن باشد.

منبع: سید احمد الحسن علیه السلام، پاسخ روشنگرانه، جلد ۶، پرسش ۵۵۳



آیا برای زن جایز است در مکان‌های مختلط کار کند؟ و آیا این حکم، با رضایت یا عدم رضایت شوهر متفاوت می‌شود؟ با توجه به اینکه او از حقوقی که از این راه به دست می‌آورد بی‌نیاز است و شوهرش اسباب زندگی محترمانه را برایش فراهم می‌کند. در ضمن، نبودن این زن در منزل گاهی منجر به کشف عورت بچه زیر چهار سال می‌شود.



کارکردن زن حلال است و اشکالی ندارد؛ ولی در صورت نارضایتی شوهر نسبت به کار زن و به عهده گرفتن معیشت همسرش، جایز نیست از شوهرش نافرمانی کند و بدون اجازه او از منزل خارج شود.

منبع: سید احمد الحسن علیه السلام، پاسخ‌های فقهی متفرقه، جلد ۳، پرسش ۱۰۸

سید احمد الحسن علیه السلام:

خدای تعالی می‌فرماید: (الم، المر، حم، یس). الف یعنی فاطمه زهرا علیها السلام. «الف» اصل و پایه حروف و نخستین آن‌ها و اولین چیزی است که بعد از نقطه به وجود آمده است، و سایر حروف نیز از آن ترکیب می‌یابند. (پاسخ‌های روشنگرانه، ج ۶، س ۵۲۹)





در دوران اخیر، پدیده معالجه روحانی برای درمان تأثیر جن و مسائلی شبیه آن بسیار شده است؛ مخصوصاً برای خانم‌ها. برخی از درمانگرها، اقدام به درمان خانم‌ها در اتاق‌های قفل شده یا ممنوع‌الورود می‌کنند و اجازه ورود هیچ‌کس به همراه او را نمی‌دهند؛ با توجه به اینکه این مرد (درمانگر) جزو محارم این خانم نیست و مدعی است که درمان، فقط با خلوت کردن با بیمار امکان‌پذیر است. پرسش این است:

۱. حکم شرعی این‌گونه خلوت کردن با خانم‌ها چیست و آیا تفاوتی بین فرد معتمد و غیر آن وجود دارد؟
۲. آیا اصولاً درمان روحانی وجود دارد که فقط با خلوت کردن با بیمار امکان‌پذیر باشد؟
۳. آیا جایز است مرد درمان‌گر، جسم زن نامحرم را بدون مانع یا با مانع به بهانه درمان لمس کند؟
۴. در انتها آیا برای مؤمنان نصیحتی دارید که محل‌های نفوذ ابلیس را ببندد؟



پاسخ اول: این خلوت کردن جایز نیست و حرام است و تفاوتی بین فرد معتمد و غیر آن وجود ندارد.

پاسخ دوم: نیازی به خلوت کردن با بیمار نیست.

پاسخ سوم: جایز نیست و عملی حرام است.

اما نصیحت این جانب: مؤمنان از خلوت کردن حرام دوری کنند؛ چراکه دربی از درب‌های شیطان است؛ پس آن را نکویید. خداوند رحمتان کند!



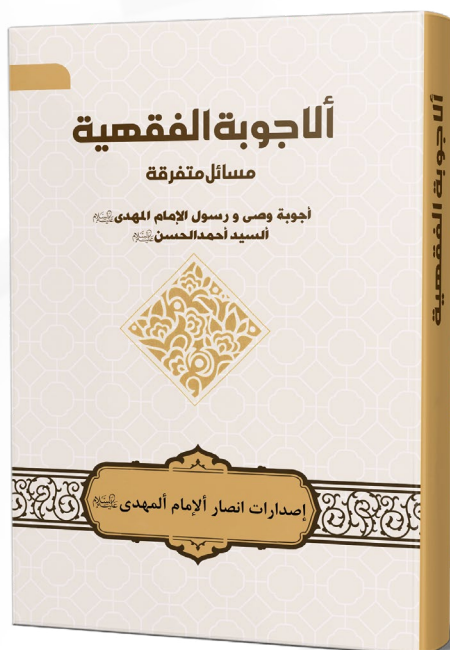
آیا یک زن می‌تواند فنون رزمی (جودو و جوجیتسو) را در باشگاه ورزشی آموزش ببیند؛ البته با در نظر گرفتن اینکه افرادی که حضور دارند همگی مرد هستند و مخصوصاً تماس بدنی رخ می‌دهد که در چنین ورزش‌هایی کاملاً طبیعی است.



جایز نیست.



منبع: سید احمد الحسن علیه السلام، پاسخ‌های فقهی متفرقه، جلد ۴، پرسش ۱۰۳



سید احمد الحسن علیه السلام :

خدای سبحان و متعال حضرت محمد صلی الله علیه و آله را آفرید، سپس از او، علی و فاطمه علیهم السلام را آفرید؛ نوری که ظاهرش علی و باطنش فاطمه است؛ سپس خلق را از آن دو بیافرید. (متشابهات، ج ۴، س ۱۳۸)



وفات یا شهادت؟

بررسی مستندات شهادت حضرت فاطمه (ع) در منابع اهل سنت

مقدمه

پس از رحلت پیامبر (ص)، تفرقه‌افکنی بین امت - که تا آن روز مانند آتش زیر خاکستر بود - شعله‌ور شد و آتش و آشوب این نفاق به درب خانه فاطمه، پاره تن پیامبر ص رسید!

بسیاری از جزئیات این واقعه و رویدادهای پس از آن در کتب معتبر اهل سنت موجود و توسط محدثین آنان نقل شده است.

اما علی‌رغم نصوص معتبر، برخی افراد برای حفظ موقعیت خلفا، این قطعه از تاریخ را کتمان یا به نحوی تحریف می‌کنند؛ تا جایی که این مسئله به یکی از چالشی‌ترین اختلافات اعتقادی شیعه و سنی تبدیل شده است؛ لذا به مناسبت شهادت آن بانوی مظلومه بر آن شدیم که ابهامات این واقعه تاریخی را بزدااییم؛ همچنین با استناد به کتب آنان حقیقت امر را بیان و قضاوت را به عهده خوانندگان بسپاریم.

جایگاه فاطمه (ع) نزد پدر

بر کسی پوشیده نیست که فاطمه (ع) نزد پدرش جایگاه

خشمگین و با رضایت توراضی می‌شود. (مستدرک حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۵۴) در قرآن نیز آمده: (وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ) (آنان که رسول خدا را آزار دهند، برای آنان عذاب دردناکی است). (توبه، ۶۱)

رسول خدا، خشم فاطمه را خشم خود و در واقع خشم خدا می‌دانست؛ لکن آن جماعت نه تنها تسلیم دستورات پیامبرشان

ویژه‌ای داشت، رسول خدا همواره مقام ولای ایشان را به امت گوشزد می‌کرد.

در صحیح بخاری، ج ۵، ص ۳۶، باب فضائل فاطمه (ع)، ح ۲۹ روایتی از رسول خدا نقل شده که فرمود:

«فاطمه پاره تن من است.

هرکس او را به خشم آورد، گویا

مرا خشمگین کرده است.»

همچنین رسول خدا ص به فاطمه س فرمود: «خداوند با خشم تو



سید احمد الحسن (علیه السلام):

قرآن، در شب قدر نازل می‌شود و قرآن در فاطمه (ع) نازل می‌شود و شب قدر همان

فاطمه (ع) است. (متشابهات، ج ۴، ص ۱۳۷)

را به سوی آنان فرستاد تا آنان را از خانه فاطمه بیرون بیاورد و به او گفت: اگر سر باز زدند، آنان را بکش. عمر با پاره ای آتش آمد تا خانه را با آنان به آتش بکشد. فاطمه با او دیدار کرد و فرمود: ای پسر خطاب! آیا آمدی تا خانه ما را به آتش بکشی؟ گفت: بله؛ یا شما نیز در آنچه امت وارد شده اند، وارد می شوید... (عقد الفرید، چاپ بیروت، ج ۵، ص ۱۳).



اما قضیه فقط به تهدید و رجزخوانی ختم نشد. عمر در نهایت به فاطمه علیها السلام هجوم برده و

فرستاد. او آمد و آنان را صدا زد و آن‌ها داخل خانه علی بودند. آن‌ها از خارج شدن سر باز زدند. او (عمر) هیزم خواست و گفت: سوگند به آن که جان عمر در دست اوست، یا بیرون می آید یا آن (خانه) را با کسانی که درونش هستند به آتش می کشم. به او گفته شد: ای ابو حفص! فاطمه در آن هست؟ گفت: حتی اگر او در آن باشد. همه بیرون آمدند و بیعت کردند به جز علی... فاطمه مقابل درب خانه اش ایستاد و فرمود: من با گروهی از شما که چنین تمهید سوئی چیدند هیچ عهد و پیمانی ندارم. جنازه رسول خدا صلی الله علیه و سلم را با ما ترک گفتید و کار را بین خودتان قطعی کردید. با ما مشورت نکردید و حق را به ما بازگردانید. (امامت و سیاست با تحقیق زینی، ج ۱، ص ۱۶) و در جایی دیگر چنین نقل شده که عمر پس از تهدید به سوزاندن خانه، اقدام به آوردن آتش و درگیری لفظی با حضرت کرد.

* احمد بن محمد بن عبد ربه اندلسی در کتاب عقد الفرید خود می گوید: کسانی که از بیعت ابوبکر سر باز زدند: علی، عباس، زبیر و سعد بن عباد بودند؛ اما علی و زبیر در خانه فاطمه نشستند تا اینکه ابوبکر، عمر بن خطاب

نشدند، بلکه دشمنی و کینه توزی نسبت به اهل بیت ایشان را به نهایت رساندند و از هیچ ظلم و ستمی در حق این خاندان فروگذار نکردند؛ پس چگونه و در کجا می توان افرادی را که مورد خشم و غضب خداوند قرار گرفته، شایسته جانشینی پیامبر و زعامت مسلمین دانست، جز در شورای سقیفه؟!

هجوم به خانه وحی

علی رغم تنصیب علی بن ابی طالب علیه السلام توسط رسول الله صلی الله علیه و آله در روز غدیر و مکتوب نمودن وصیت به ایشان در جمع اصحاب، غاصبین خلافت منکر حقیقت شدند و پیشوایی گمراه برای خود منصوب کردند. آنان که علی و همسرش فاطمه دختر رسول خدا را موانعی برای رسیدن به اهداف شوم خود دانستند، پس راه دشمنی با ایشان را برگزیدند. غضب ولایت، اجبار به بیعت و هتک حرمت به آل محمد برنامه ای از پیش تعیین شده بود که ابوبکر با هم دستی عمر آن را اجرا کرد. روایات زیادی بر این مطلب دلالت دارد که به برخی از آن‌ها می پردازیم:

* ابن قتیبه می گوید: ابوبکر از احوال گروهی که نزد علی بودند و از بیعتش سرپیچی کرده بودند، جویا شد. عمر را به سوی آنان

سید احمد الحسن علیه السلام:

پیامبر صلی الله علیه و آله، امام علی، فاطمه و ائمه علیهم السلام همگی زمینه ساز حکومت لا اله الا الله هستند که امام مهدی علیه السلام بر روی زمین برپا خواهد نمود. (متشابهات، ج ۳، ص ۸۹)

عداوت خلفا نسبت به حضرت

زهرار

به گواه تاریخ، رسول خدا ص در زمان حیاتش فدک را به فاطمه بخشیده بود؛ اما پس از وفاتش، ابوبکر آن را غصب و به فاطمه ظلم بسیار روا داشت و ایشان را از حقش محروم ساخت. صحیح مسلم و صحیح بخاری از عایشه نقل کرده اند که: «فاطمه ارث خود را که فدک بود و پیامبر آن را به او بخشیده بود و ابوبکر آن را از او گرفته بود درخواست کرد. ابوبکر از دادن آن ابا کرد. بدین وسیله فاطمه از ابوبکر خشمگین شد و او را طرد کرد و با وی سخن نگفت تا از دنیا رفت.» (صحیح بخاری، ج ۵، ص ۸۲؛ صحیح مسلم، ج ۵، ص ۱۵۳)

پس از فاجعه هجوم به خانه و مجروح کردن حضرت، خلفا برای حفظ ظاهر بین مردم درخواست عیادت با فاطمه را داشتند؛ در این باره چنین نقل شده:

ابوبکر و عمر آمدند. حضرت زهرار روی به دیوار و پشت به آنها کرد. گفتند: آمده ایم که رضایت شما را حاصل کنیم. حضرت فرمود: من با شما حرف نمی زنم؛ مگر اینکه قول بدهید آنچه را که می گویم، اگر راست است، به راستی آن شهادت

ص ۲۶۸، شماره ۸۲۴.

*** علی بن الحسین مسعودی، مورخ فاضل مقبول الفریقین در کتاب «اثبات الوصیه» بعد از شرح قضایای روز بیعت، می نویسد:**

«پس بر او (علی بن ابی طالب) هجوم آوردند و درب خانه اش را آتش زدند و ایشان را با اکراه و اجبار از خانه بیرون کشیدند و سیده زنان (فاطمه زهرا) را در میان درب فشار دادند تا محسن را سقط کرد.»

(اثبات الوصیه، ص ۱۴۲ تا ۱۴۶) یا (اثبات الوصیه، ص ۱۲۲ تا ۱۲۵، چاپ دیگر).

سید احمد الحسن علیه السلام در این خصوص می فرماید:

۶۶

«مظلومیت زهرا علیها السلام حقیقت دارد و از جمله اسباب و عوامل وفات وی، آزارهایی بود که در خانه اش بر او رفت؛ آنگاه که درب خانه اش به آتش کشیده شد، پهلوی شکست، جنینش سقط شد و علی را دست بسته بیرون آوردند تا با زور و اجبار، با ابوبکر بن ابی قحافه بیعت کند.»

۶۶

(پاسخ های روشن گرانه، ج ۶، ص ۶۴۴)

باعث شکستن پهلوی و مجروح کردن حضرت و سقط جنین ایشان شد. عالم بزرگ سنی شافعی جوینی، استاد جمعی از علمای اهل سنت، که یکی از شاگردانش ذهابی- به شاگردی اش افتخار می کند و می گوید «سمعت من الإمام المحدث الأوحّد الأکمل فخر الإسلام صدر الدین... و کان دیناً صالحاً» (تذکره الحفاظ، ج ۴، ص ۱۵۰۵، رقم ۲۴)، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود:

«چون به دخترم فاطمه می نگرم به یاد می آورم آنچه را که بعد از من بر سر او خواهد آمد و حال آنکه در خانه اش ذلت وارد گردیده، از وی هتک حرمت شده، حقش غضب، و ارثش منع شده، پهلویش شکسته و جنینش سقط گردیده و او فریاد بر می آورد «یا محمداه»... پس او اولین کسی از اهل بیت است که به من ملحق می شود؛ پس بر من وارد می شود، محزون، مکروب، مغموم، مقتول...» (فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۴ و ۳۵، چاپ بیروت)

* و نیز محمد بن احمد کوفی (از حافظین حدیث اهل سنت) گفته است: **«بدون شک عمر چنان لگدی به فاطمه زد که محسن از او سقط شد.»** (لسان المیزان، ج ۱،

سید احمد الحسن علیه السلام:

علی علیه السلام تجلی الرحمن است و فاطمه علیها السلام تجلی الرحیم، و این دو با هم متحدند، مانند اتحاد الرحمن الرحیم و از هم جدا هستند مانند، جدایی الرحمن الرحیم (متشابهات، ج ۲، ص ۴۵)

و این بهترین سند است تا ثابت کنند که صدیقۀ شهیده، مظلوم از دنیا رفته و از افرادی که بر وی ستم کرده‌اند، هرگز راضی نشده است. * در این رابطه عایشه نقل می‌کند: «فاطمه بعد از وفات پیامبر شش ماه زندگی کرد و هنگامی که فوت کرد، همسرش علی او را شبانه دفن کرد و به ابوبکر خبر نداد و خود بر او نماز خواند.» (صحیح بخاری، ج ۵، ص ۸۲؛ صحیح مسلم، ج ۵، ص ۱۵۳)

* فاطمه زهرا (علیها السلام)، شش ماه پس از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) زنده بود. زمانی که از دنیا رفت، شوهرش علی علیه السلام او را شبانه دفن کرد و جناب ابوبکر را با خبر نساخت. (البخاری الجعفی، محمد بن اسماعیل أبو عبد الله (متوفای ۲۵۶ ق)، صحیح البخاری، ج ۴، ص ۱۵۴۹، ح ۳۹۹۸) واقعیت این است که حکایت شهادت فاطمه (علیها السلام)، به طور زنده در کتاب‌های تاریخی و حدیثی محفوظ مانده است. فاطمه شهیده در حالی که تا آخرین لحظات حیاتش از کسانی که طمع قدرت و ریاست کورشان کرده بود روی گردان بود، به طلب دادخواهی و شکایت نزد پدر و دیدار حق تعالی شتافت.

«خواهم کرد.» فاطمه (علیها السلام) مرتب می‌فرمود: «و الله لادعون الله عليك عند كل صلوة أصليها.» «به خدا قسم در هر نمازی که می‌خوانم تو (ابوبکر) را نفرین می‌کنم.» (صحیح بخاری، ج ۵، ص ۱۷۷)

سوخت اما نساخت!

در نهایت، فاطمه س مدافع حریم ولایت که برای یاری دین خدا و رسوایی چهره نفاق ایستادگی کرد، به سبب سقط جنین، جراحت و آزار بسیار، در اوج مظلومیت به شهادت رسید. او که جز علی (علیه السلام) یآوری نداشت، وصیت نمود تا توسط ایشان شبانه و مخفیانه به دور از چشم صحابه و اهل مدینه به خاک سپرده شود.

فاطمه وصیت کرد او را شبانه دفن نموده و هیچ یک از کسانی را که بر وی ستم کرده‌اند، خبر نکنند؛

بدهید. قبول کردند. فاطمه (علیها السلام) به ابوبکر و عمر گفت: آیا اگر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) حدیثی فرموده باشد و شما هم آن را شنیده باشید، حاضرید شهادت دهید که ما آن را شنیده ایم؟ گفتند: بله، شهادت می‌دهیم. فاطمه فرمود: «من شما را به خدا سوگند می‌دهم، آیا نشنیده‌اید که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود رضای فاطمه رضای من است و غضب فاطمه غضب من است؛ هرکس فاطمه را دوست بدارد مرا دوست داشته و هرکس فاطمه را راضی بدارد مرا راضی داشته و هرکس فاطمه را به خشم آورد، مرا به خشم آورده؟» گفتند: بلی از رسول خدا این را شنیدیم. سپس فاطمه س فرمود: **«خدا و ملائکه را شاهد و گواه می‌گیرم که شما دو نفر مرا به غضب آوردید و رضایت مرا فراهم نکردید. اگر پیامبر را ملاقات کنم از شما شکایت**



سید احمد الحسن (علیه السلام):

محمد (صلی الله علیه و آله) ماه کامل است، و علی و فاطمه شبه کامل هستند. در دعا آمده است: «و کلمه کاملت و کلماتی که به آن‌ها بر عالمیان تفضل فرمودی.» (متشابهات، ج ۱، س ۱۱)

بیت‌الاحزان

وَعَلَىٰ رَأْسِهِ السَّيْفُ الْمُسَيَّرُ وَفِيهَا مَاهُ الْعِلْمُ وَالْإِيمَانُ

من شود صبح، ولس فاطمهای دیگر نیست
قلب سردار ز تابوتِ آتش من سوخت
داغ او تا به ابد در دل حیدر باقیست
قصه‌هایش به بر چاه بگوید حالا
کس تواند که علس بعد تو ماند زهرا؟
غصه‌ی میخ و درِ خانه و زهرا که مگو
طاقت غصه‌ی حیدر توان چاه کشید
این همه داغ که حیدر به دل خود دارد
فاطمه، جانِ علس بود و علس جانِش بود
فاطمه، ماهِ علس بود و علس یارش بود
جانِ عالم به فدای دل پُردرد علس
منتقم آمده از راه، همان سِرّ بتول
او یمنش پسر مهدی زهراست بدان

تگوتنهاست علس حامس و هم سنگر نیست
آتش کز سردوری به دلش من افروخت
خانه امشب ز رخ دخت پیمبر خالیست
غربتش بیشتر از پیش عیان شد مولا
غیر او قصه‌ی پر غصه که داند زهرا؟
داغ محسن به دلش مانده و درد پهلوی
آه زان روز که سیل به رخ لیلا دید
چاه از ماندن آن در دل خود من نالد
اولین جان به کف از حلقه‌ی یارانش بود
او که ریحانه‌ی زخم و علمدارش بود
آمده منتقم فاطمه از راه همس
تا جهان را بکند مأمن زهرای رسول
آمده تا که کند ظلم و ستم را ویران

مهم ترین خبر جهان!

سید احمد الحسن علیه السلام ظهور کرد
ای یهودیان! فرستاده ایلایا آمده است.
ای مسیحیان تسلی دهنده و فرستاده مسیح آمده است.
ای عزیزان اهل سنت! آن مهدی که در آخر الزمان متولد
می شود، اکنون در میان ماست.
ای شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام فرستاده امام
مهدی و دعوت کننده به سوی او، یمانی موعود،
سالهاست که منتظر شماست.
ای تمام آزاداندیشان و اهل علم در زمین! خلیفه خدا با
سندی از علم و شگفتی ها آمده است.